

در کتابخانه های ایران، برخی از رسائل حروفیان را می توان یافت، اما به جرأت می توان گفت که اندک پژوهشگرانی که به بررسی و تحقیق در زمینه جنبش حروفیان و اندیشه آنان پرداخته اند، هرگز به این آثار - که هنوز به چاپ نرسیده اند - عنایت نداشته اند و این رسائل را در مخازن در بسته کتابخانه ها و انواده اند و در پژوهش های خود تنها به بازگفت آنچه دیگر پژوهشگران از بررسی این گونه رسائل خطی به دست آورده اند، بسنده کرده اند.

دکتر صادق کیا از جمله محققانی است که به این گونه آثار عنایت داشته اند، و می توان او را آغازگر مطالعات جدید حروفیه شناسی در ایران دانست، هرچند که او بیشتر از حوزه زبان شناسی دریچه ای بر جهان پر از رمز و راز و ناشناخته حروفیان گشود.

از موانع موجود در پژوهش و مطالعات حروفیه شناسی آنچه در نگاه اول سخت به چشم می خورد، نبود کتاب شناسی جامعی از آثار بازمانده حروفیان - دست کم در ایران - است. فهرستی که بیانگر تمام ویژگی های فیزیکی و محتوایی نسخه ها باشد و نادرستی فهرست های مشترک و اختصاصی کتابخانه ها را روشن سازد. در واقع انتشار کتاب شناسی تخصصی نخستین گام در راه مطالعه و پژوهش در هر زمینه ای است و کتابداران، به صرف کتابدار بودن، کتاب شناس و نسخه شناس نیستند و نمی توانند با استفاده از فهرست های منتشر شده - که در پاره ای از موارد حاوی اطلاعاتی نادرست هستند - و بدون رؤیت خود کتاب، فهرست یا کتاب شناسی هایی از این دست تدوین کنند. فهرست نسخه های خطی فارسی فراهم آمده استاد احمد منزوی که برای تدوین آن بی شک رنجی فراوان برده و در خور سپاس و ستایش است نمونه ای بر این مدعاست. آقای منزوی در معرفی کرسی نامه علی الاعلی، برترین خلیفه و داماد فضل الله استرآبادی، چنین می نویسد:

نسخه شناسی آثار حروفیان در کتابخانه ملی ملک

علیرضا دولتشاهی
کتابخانه و موزه ملی ملک

چکیده: کتابخانه ملی ملک، یکی از غنی ترین مجموعه های حروفیان را در ایران در اختیار دارد. در این مجموعه یازده رساله وجود دارد که از این تعداد هفت رساله به نظم و باقی به نثر است. دو رساله به زبان ترکی است و باقی به زبان فارسی (در بعضی از رساله ها نیز گاه بخش هایی به زبان گرجانی آمده است). در میان این آثار، هم آثار شناخته شده ای مانند استوانه نوشته غیاث الدین محمد استرآبادی، خواهرزاده علی الاعلی، داماد و برترین خلیفه فضل الله استرآبادی، بنیادگر حروفیه وجود دارد که درباره کلام حروفیه است و هم آثار ناشناس و گمنامی که درباره آن هیچ آگاهی نداریم. نویسنده در این مقاله می کوشد تا توصیف دقیق و درستی از آثار حروفیان در کتابخانه و موزه ملی ملک به دست دهد.

کلیدواژه: کتابخانه ملی ملک؛ نسخه شناسی؛ حروفیه؛ فضل الله حروفی، قرن ۸ ق.



«مثنوی ست عرفانی، آغاز: بود واجب در جمیع کارها/ حمد و شکر و کاشف اسرارها» (ج ۴ ص ۳۰۵۵)؛ اما با استناد به فهرست زنده یاد عبدالباقی گولپینارلی^۱ این بیت را سرآغاز مثنوی دیگری از علی الاعلی به نام توحیدنامه می یابیم. از سوی دیگر رؤیت این دو مثنوی - توحیدنامه و کرسی نامه - در کتابخانه ملی ملک، سخن گولپینارلی را تایید می کند. از یاد نبریم که فهرست گولپینارلی بعضاً منبع مورد استفاده آقای منزوی در تدوین فهرست نسخه های خطی فارسی بوده است. ایشان در نشانی کرسی نامه در همان کتاب (ج ۴ ص ۳۰۵۵) تنها به نسخه استانبول آن (32985) اشاره می کند و به وجود این مثنوی در کتابخانه ملی ملک اشاره نمی کند، هر چند که اعداد لاتین ایشان در تشخیص این مثنوی دچار اشتباه شده است، اما در نسخه کتابخانه ملی ملک این دو مثنوی در یک مجموعه و در پی هم قرار دارند.

در میان کتاب های خطی کتابخانه ملی ملک یازده رساله از آن حروفیان است که هفت رساله به نظم و باقی به نثر است. این مجموعه را شاید بتوان یکی از غنی ترین مجموعه های موجود در ایران دانست. اما آگاهی برآمده از فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک در مورد این رسائل کافی نیست و بعضاً نادرست است. آنچه در پی می آید، نخستین گام در جهت تدوین کتاب شناسی حروفیه در ایران است که با معرفی نسخه های موجود در کتابخانه ملی ملک و بیان کاستی ها و نادرستی های موجود در فهرست نسخه های خطی کتابخانه و نیز فهرست نسخه های خطی فارسی آغاز می شود.

۱) استوانامه، ابوالیقین غیاث الدین محمد (ش ۴۰۱) در فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک (ج ۲ ص ۲۳)، درباره این نسخه آمده است:
«ستعلیق قرن یازدهم، کاغذ فُستقی، ۹۲ گ، ۱۵ س، ۱۵x۱۰/۵، جلد میشن قهوه ای، ضربی، عناوین و نشان ها شنگرف». این توضیح در مواردی نادرست است. در این نسخه فقط ترجمه آیات قرآن و نشان ها به رنگ شنگرف است.
کتاب فاقد تاریخ کتابت است، اما پیش از شروع، سه رباعی آمده است که احتمالاً از آن کاتب است. رباعی

سوم چنین است:
«ای مظهر فیض فضل الطاف آله
خواهی که شوی از هزار و یک نام آگاه
از ابجد و اجزای نقطه فکری کن
تا کشف شود حسابش از فضل اله»

فضل	الله
ابجد و اجزا و نقطه	ابجد و اجزا
نهدد و بیست	هشتاد و یک

از بر هم نهادن «فضل» و «الله» (۹۲۰+۸۱) تاریخ ۱۰۰۱ به دست می آید (آغاز قرن یازدهم). این تاریخ روشنگرانه نکته ای مهم است، و آن وجود دست کم جمعیت کوچکی از حروفیان در دوره صفویه - زمان حضور پرنفوذ نقطویان - در ایران است؛ یعنی درست یک سال پیش از کشتار نقطویان به فرمان شاه عباس صفوی (۱۰۰۲ ق).

تاریخ تالیف استوانامه معلوم نیست، اما در ص ۴۲ نسخه ملک از «روز پنج شنبه پانزدهم رمضان سنه ۸۲۶» ذکر کرده است. حال آنکه فهرست نویس، تاریخ نگارش استوانامه را ۱۱ رمضان ۸۲۶ دانسته است. در ص ۷۱ نسخه ملک می خوانیم: «برادر عزیزجانی، درویش محمد تیرگر - رضوان الله علیه - از طرف مازندران، بعد از استخلاص از حبس شیاطین که با حضرت سرور الشهدا امیر نورالله - صلوات الله علیه - آمدیم به طرف بغداد و چون به محروسه باغ قوبه^۲ رسیدیم، رسید و چند مسئله آورد.» از متن فوق در می یابیم که غیاث الدین محمد باید استوانامه را پس از رهایی از بند شیاطین (تیموریان) به رشته تحریر در آورده باشد. از سوی دیگر می دانیم که در سال ۸۳۰ ق، پس از ترور ناموفق شاهرخ میرزا به دست احمد لُر بود که غیاث الدین محمد و امیر نورالله و جمعی دیگر دستگیر شدند و چند سالی در بند ماندند. اگر نظر گولپینارلی را که بر این باور است که استوانامه بعد از مکتوب غیاث الدین محمد به درویش حسن (۸۳۶ ق) - درباره جریان دستگیری - و در سال های پس از ۸۴۶ ق تالیف شده است نپذیریم^۳ و نظر مرحوم سعید نفیسی را در تاریخ نثر و نظم، که تاریخ نگارش استوانامه را پس از رمضان ۸۴۶ ق، دانسته است از یاد ببریم^۴، ناگزیر به پذیرش

۱. عبدالباقی گولپینارلی، فهرست متون حروفیه، توفیق سبحانی، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۳۰.
۲. باغ قوبه همان بقعوبا است. شهری در نزدیکی بغداد.
۳. گولپینارلی، ص ۴۹ و ۱۰۵.
۴. سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی، تهران، ۱۳۴۴ ج ۲، ص ۷۸۵.

نیمه رهاننده تا سطر بعدی از آغاز سطر شروع گردد. جز ۶ سطر آخر رساله. حتی سطر اول رساله در ادامه «بسم الله الرحمن الرحیم» آمده است. آنچه در فهرست به عنوان انجام رساله ذکر شده، در واقع سه سطر از رساله است. از ویژگی‌های رساله حاضر آن است که حروف در اکثر مواقع بدون نقطه به کار رفته‌اند.

در بالای صفحه اول رساله، در گوشه سمت چپ یادداشتی از زنده یاد سهیلی خوانساری دیده می‌شود. «توسط حقیر برای کتابخانه ملی ملک خریداری شده. احمد سهیلی خوانساری ۱۳۶۴ قمری». در حاشیه سمت چپ صفحه اول مهر کتابخانه که شامل شماره ثبت و تاریخ ثبت است، آمده و بر اساس آن، تاریخ ثبت کتاب ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۱ است. در پایین آن مهری دیگر دیده می‌شود، با نقش «بازدید شد ۱۳۵۱».

اولین سطر رساله از ابتدای سطر آغاز نمی‌شود و «بسم الله الرحمن الرحیم» مقداری از ابتدای سطر فاصله دارد. این فاصله دارای نشانی از خط خوردگی است، آن سان که پنداری نوشته‌ای وجود داشته که پیش‌تر پاک شده است. در ص ۹ و ۲ حواشی به خط کاتب وجود دارد که افتادگی‌های متن را آورده است. در انتهای ص ۹ و در حاشیه سمت چپ یادداشتی وجود دارد که به خطی دیگر و اظهار نظر خواننده‌ای است بی نام و تاریخ: «جناب... ذات حق گفتن محض کفر است و مذهب وحدت وجود است بلکه در طریق سالکان این اعتبار در صفات است نه در ذات تعالی الله علواً کبیراً اللهم اهدانا سواء الصراط».

بر اوراق این رساله نیز آثار رطوبت دیده می‌شود و نیز لکه‌هایی قهوه‌ای رنگ بر سطح کاغذ وجود دارد. در فهرست موضوعی کتب خطی کتابخانه که در پایگاه اطلاعات کامپیوتری کتابخانه وجود دارد موضوع این رساله علوم غریبه تعیین شده است که آشکارا نشان از عدم شناخت جنبش حروفیه دارد.

۲. بیان الواقع، سید شریف.

در فهرست ملک (ج ۷، ص ۴۳۸) درباره این رساله می‌خوانیم: «از سید شریف در گذشته ۱۰۵۹ ق، در اصول عقاید حروفی. در خطبه آن درباره نام کتاب آمده است: «سمیت کتابی بیان الواقع / شاف کاف لاهل داء نافع» در پایان رساله حاضر تاریخ کتابت ۹۷۹ ق آورده شده است، از سوی دیگر بر اساس فهرست گولپینارلی - که فهرست ملک به آن ارجاع داده است - می‌دانیم که در بخش نسخ خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول نسخه‌ای از بیان الواقع با تاریخ کتابت رجب سنه ۹۶۹ ق و به خط درویش هدایت بن ناصرالدین بن علی خلیلی

این واقعیت آشکار هستیم که غیاث‌الدین محمد نمی‌توانسته است استوانه را در ۸۲۶ ق، تألیف کرده باشد.

نسخه حاضر به یک خط نگاشته شده است، اما در نگارش آن تنوع قلم دیده می‌شود، هر چند که کاغذ یک نوع است. فصل‌ها از یکدیگر مجزا نیستند. هر فصل با «والسلام» تمام می‌شود و فصل بعدی با اندک فاصله‌ای، اما در ادامه همان سطر با «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز می‌گردد. بر روی اوراق نسخه حاضر اثر رطوبت و بر روی چند برگ نیز آثار سوختگی دیده می‌شود (ص ۱۵-۲۲) و چند صفحه نیز وصالی شده است. نسخه دارای حواشی با قلم و مرکبی دیگر است. این نسخه در کتابخانه ملی ملک در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۳۱ ثبت شده است. بر اساس فهرست منزوی دو نسخه دیگر نیز از استوانه در ایران موجود است.

۲) مجموعه (ش ۴۵۹۶)

در فهرست ملک (ج ۷ ص ۴۳۸) آمده:

«نستعلیق ۹۷۹، ۷۲ گ، ۲۱ س، کاغذ نوعی ترمه ۱۲/۴x۱۹/۳، جلد ساغری، کاغذی آلبالویی، نشان و آیات زیر خط سنگرف».

این مجموعه شامل دو رساله است:

۱. رساله حروف.

این رساله کوتاه (ص ۱-۱۲) ناشناس است. در یادداشتی که با خط تازه‌تر در آغاز نسخه دیده می‌شود رساله اول، رساله از رسائل حروفیان نامیده شده است، ولی در فهرست ملک نام رساله حروف برای این رساله انتخاب شده است. از متن رساله، نمی‌توان به نام رساله، مولف و سال نگارش و یا حتی تاریخ تحریر نسخه حاضر پی برد، اما از آنجا که در پایان رساله دوم این مجموعه تاریخ ۹۷۹ ق آمده است و با توجه به یکدست بودن خط و کاغذ مجموعه می‌توان این تاریخ را برای رساله حاضر نیز معتبر دانست و یادست کم تحریر رساله حاضر را پیش از ۹۷۹ ق دانست.

این رساله با فهرست گولپینارلی نیز مطابقت داده شد، ولی در میان رساله‌های موجود در آن فهرست برابر و همتایی برای رساله حاضر یافت نشد. فهرست ملک نیز در مورد این رساله هیچ توضیحی نمی‌دهد. مگر ذکر آغاز و انجام آنکه در این مورد نیز تفاوت‌هایی وجود دارد در رساله حاضر، بر خلاف توضیح فهرست، احادیث و آیات در همه موارد در زیر خط سنگرف نیست و نیز در تمام رساله واژه «نظم» در شروع اشعار به سنگرف نوشته شده است. رساله در واقع یک پاراگراف است، یعنی در هیچ کجای سطر در

البغدادی (ش ۲۳۹) موجود است^۵ حال اگر بنا بر نظر فهرست نویسان کتابخانه ملک، درگذشت شریف را ۱۰۵۹ق بدانیم، فاصله میان مرگ وی و نسخه دانشگاه استانبول ۹۰ سال می شود. حال پرسش این است که مگر شریف در زمان تألیف رساله بیان الواقع چند سال داشته است؟ از سوی دیگر، فهرست نویس سال نگارش بیان الواقع را ۱۰۵۹ق می داند. (ج ۲/۱، ص ۱۰۶۸) که با وجود دست کم دو نسخه از سال های ۹۶۹ و ۹۷۹ق نظر فهرست نویس کاملاً مردود است. از سوی دیگر ایشان تنها نشانی نسخه موزه بریتانیا را می دهد و به نسخه کتابخانه ملک هیچ اشاره نمی کند. مشخصات فیزیکی و نسخه شناسی این رساله همانند رساله پیشین است و با همان قلم و بر همان نوع کاغذ تحریر شده است. فقط در رساله دوم در زیر آیات و یا احادیث خطی به رنگ سنگرف وجود دارد. ویژگی های نگارشی و شیوه رسم الخط آن نیز همانند رساله پیشین است.

در گوشه سمت راست پایین ص ۱۸ مهر بیضوی مرحوم ملک دیده می شود. و همچنین در ص ۱۴۴ در حاشیه سمت راست پایین صفحه مهر بیضوی کتابخانه ملی ملک نقش شده است، و در بالای این مهر، مهر «بازدید شد ۱۳۵۱» وجود دارد. در آخرین سطر این صفحه عبارت سنه ۹۷۹ق، آمده است و در کنار آن آثار باقی مانده از عبارت دیگری و البته با همان تاریخ - وجود دارد و در زیر آن نیز اثری از واژه ای مشاهده می شود که پاک شده است. از توضیح گولپینارلی درباره نسخه ش ۱۰۲۷ کتابخانه امیری^۶ در می یابیم که نام دیگر بیان الواقع، معادیه است، و برخلاف نظر فهرست نویسان ملک، سعید نفیسی موضوع کتاب را در معاد دانسته^۷ و این با نام معادیه سازگارتر است.

از آنجا که منزوی در فهرست خود هیچ نشانی از نسخه دیگر بیان الواقع در ایران نمی دهد. شاید نسخه ملک یگانه نسخه موجود در ایران باشد.

۳. محبت نامه، فضل الله استرآبادی (ش ۴۵۹۷)

در فهرست ملک (ج ۴، ص ۷۳۵) آمده:

«تستعلیق سده ۱۰، عنوان و نشان سنگرف، ۹۵، گ، ۲۱، س، ۱۳×۱۷/۹، کاغذ دولت آبادی، جلد میشن سیاه». فهرست نویسان ملک این رساله را از آن حقیقی، خلیفه فضل الله نعیمی استرآبادی حروفی دانسته و به الذریعة و

فهرست منزوی استناد کرده اند. اما آنها نیز به اشتباه رفته اند. این نسخه از رساله محبت نامه، نه از حقیقی، که از آن خود فضل الله استرآبادی، بنیادگر حروفیه، است. و دلیل ما بر این مدعا مقایسه آغاز رساله حاضر با آغازی است که مرحوم آقا بزرگ در الذریعة آورده است.

آغاز نسخه ملک: «بسم الله الرحمن الرحيم در تقسیم وجه آدم و حوا بشناس و بخوان ای خواننده خطوط وجه کریم آدم - علیه السلام - که حضرت رسالت فرموده است «خلق اله تعالی آدم [علی] صورته، و علی صورت الرحمن» از تقسیم خط حوا که یکی موی سر اوست و چهار مژه و دو ابرو که آن حدیث قامت ارحم فاخذت بحقوی الرحمن قال و قالت هذا مقام العائذ یک الخ از تقسیم [خ] اط هفت سطر حوا هفت [خ] پط دیگر بر وجه آدم ظاهرست دو سطر در مقدمه بینی...»

و آغازی که صاحب ذریعة آورده است: «هو در تقسیم وجه آدم و حوا بشناس و بخوان ای خواننده خطوط وجه کریم آدم: محبت نامه شد این جمع رانام / بحکم جاودان نامه حق» (ج ۲۰، ص ۱۳۸). اما از بررسی آغاز نسخه ملک تا ص ۴ که در واقع مقدمه تمام می شود و متن رساله که به شکل پرسش و پاسخ است آغاز می شود نه تنها بیستی که در الذریعة آورده شده است وجود ندارد که اصولاً هیچ شعری در آن به کار نرفته است. در فهرست ملک تنها بخشی از آغاز رساله آمده که در دو نمونه فوق مشترک است، یعنی «در تقسیم وجه آدم و حوا بشناس و بخوان ای خواننده».

از سوی دیگر با مراجعه به فهرست گولپینارلی در می یابیم که رساله شماره ۸۲۴ بخش فارسی کتابخانه علی امیری نسخه ای است از محبت نامه. و آغاز آن با نسخه ملک یکی است و تنها تفاوت آنها، استفاده نسخه امیری از رموز نگارشی حروفیه است که نسخه ملک فاقد آن است. رمز گشوده آغاز نسخه امیری بر اساس فهرست گولپینارلی چنین است:

«هو در تقسیم وجه آدم و حوا بشناس و بخوان ای خواننده خطوط وجه کریم آدم علیه السلام که حضرت رسالت فرموده است خلق الله تعالی آدم علی صورته و علی صورت الرحمن از تقسیم خط وجه که یکی موی سر اوست و چهار مژه و دو ابرو...»

اما گولپینارلی رساله فوق را از فضل الله استرآبادی

۵. گولپینارلی، ص ۸۱

۶. همان، ص ۸۰

۷. نفیسی، ج ۱، ص ۲۲۷.



می‌داند و نه از حقیقی.^۸
 پایان نسخه ملک با پایان نسخه امیری تفاوت اندکی دارد. در پایان نسخه ملک آمده: «... و حکما و شهدا بعالم عشق الهی می‌کشد که اذا قتلته فانادیته» و در پایان نسخه امیری آمده: «... و حکما و شهدا بعالم عشق می‌کشد که اذا قتلته فانادیته».
 آقای منزوی در فهرست خود همان آغازی را می‌آورد که الذریعة آورده است، اما نه آقا بزرگ و نه منزوی - به تبع آن - به نسخه ملک اشاره نمی‌کنند. می‌دانیم که آقا بزرگ اکثر نسخه‌هایی را که معرفی می‌کند دیده است. با توجه به اختلافی که نسخه ملک با توصیف آقا بزرگ دارد و با توجه به توصیف و شرح گولپینارلی می‌توان نتیجه گرفت که نسخه کتابخانه ملک همان نسخه‌ای که صاحب الذریعة معرفی کرده است نیست. شاید فهرست نویسان ملک به این دلیل از آوردن بیتی که آقا بزرگ و منزوی در آغاز رساله آورده‌اند خودداری و پرهیز کرده‌اند که آنان نیز موفق به یافتن آن بیت در نسخه ملک نشده‌اند.
 از سوی دیگر دکتر کیا هم محبت نامه را از آن فضل می‌داند و در معرفی نسخه دکتر مهدی بیانی، آغاز آن رساله را برابر آغاز الذریعة و فهرست منزوی آورده است، البته به جز بیت «محبت نامه شد این جمع را نام / بحکم جاودان نامه حق». و بلوشه نیز در معرفی نسخه کتابخانه ملی پاریس همان آغاز کیا را آورده است. هر چند که منزوی در فهرست خود اشاره‌ای به نسخه کتابخانه ملی پاریس ندارد. از سوی دیگر در صفحه پیش از شروع کتاب، که در واقع صفحه عنوان است، عنوان کتاب «محبت نامه فضل» با مداد ذکر شده است.
 بر اوراق کتاب نشانی از وصالی نیست (به جز برگ ۹۱)، اما بر اکثر اوراق آثار رطوبت دیده می‌شود. در گوشه سمت چپ بالای صفحه عنوان یک یادداشت دو سطری وجود دارد: «این کتاب یکی از کتب معتبر حروفیان است». از این یادداشت بر می‌آید که نویسنده این کتاب «معتبر» باید یکی از شخصیت‌های دست اول و معتبر حروفی باشد، اما در فهرست نام حروفیان معروف و راهبران این جنبش نشانی از «حقیقی» نیست. در همین صفحه یادداشتی دو سطری نیز به زبان ترکی وجود دارد و نیز یادداشتی از سهیلی خوانساری: «توسط فقیر برای کتابخانه ملی ملک ابتیاع شد». مهر ثبت کتاب در کتابخانه در میانه این صفحه وجود دارد. با تاریخ «۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۱». در زیر آن

مهری دیگر: «بازدید شد ۱۳۵۱».
 بر حاشیه سمت راست و در بالای برگ ۱ حاشیه‌ای سه سطری وجود دارد. در برگ ۹ و ۵۱ پ مهر گرد مرحوم ملک در حاشیه سمت راست و پایین صفحه دیده می‌شود. در برگ ۶۰ ر تنها چهار سطر وجود دارد و باقی صفحه نانوشته است و سطر چهارم آن چنین است: «یازده یازده یازده یازده کلمه». برگ ۶۰ پ از ابتدای سطر اول شروع می‌شود. آغاز: «هفت فلک بر هر فلک یک کوب که به خط استواء هر یک که بگذری...» در حاشیه صفحات ۲ تا ۶ رمتنی به ترکی آمده است که در برخی قسمت‌ها پاک شده و ناخواناست. به ویژه در صفحات ۳ و ۲ پ. در گوشه سمت چپ و بالای برگ ۹۶ ر یادداشتی مدادی وجود دارد: «شماره گذاری و کنترل شد. پهلوانی». منزوی به سه نسخه دیگر محبت نامه حقیقی - در ایران - اشاره کرده است (ج ۲/۱، ص ۱۳۶۴) که با روایت آن سه نسخه دیگر و مقایسه آنها با نسخه ملک می‌توان انتساب آنها را به حقیقی سنجید.

۴) مجموعه (ش ۴۵۹۸)

درباره این مجموعه در فهرست ملک (ج ۷، ص ۴۹۶) آمده: «نسخ سده یازدهم، ۲۶ گ، ۲۵ س، کاغذ فستقی، ۱۹/۲x۱۲/۵. جلد میشن لای سیاه. چند صفحه اول ستون بندی به شنگرف».

۱. بشارت نامه، رفیعی

در فهرست ملک درباره این رساله آمده:

«بشارت نامه: (ف) از فضل الله استرآبادی، گویا از رفیعی است».

پیش از هر سخنی درباره بشارت نامه، باید گفت که توضیح فهرست نویسان ملک در این باره تأمل برانگیز است. با رویت بشارت نامه، بر خلاف فهرست ملک، - علی رغم شناختن یا نشناختن حروفیه - می‌توان به سادگی دریافت که زبان این منظومه نه فارسی، که ترکی است و آغاز آن چنین است:

«اول سبع المستانی ای حکیم

گلدی بسم الله الرحمن الرحیم

حق تعالی اول اسمی قلدی باد

چون که قرآن باشلیدی ای خوش نهاد»
 از یادداشت ضمیمه مجموعه حاضر که بر آن توضیح مجموعه حاضر درج شده است نیز می‌توان به ترکی بودن

از سوی دیگر دکتر کیا هم محبت نامه را از آن فضل می‌داند و در معرفی نسخه دکتر مهدی بیانی، آغاز آن رساله را برابر آغاز الذریعة و فهرست منزوی آورده است، البته به جز بیت «محبت نامه شد این جمع را نام / بحکم جاودان نامه حق». و بلوشه نیز در معرفی نسخه کتابخانه ملی پاریس همان آغاز کیا را آورده است. هر چند که منزوی در فهرست خود اشاره‌ای به نسخه کتابخانه ملی پاریس ندارد. از سوی دیگر در صفحه پیش از شروع کتاب، که در واقع صفحه عنوان است، عنوان کتاب «محبت نامه فضل» با مداد ذکر شده است.

بر اوراق کتاب نشانی از وصالی نیست (به جز برگ ۹۱)، اما بر اکثر اوراق آثار رطوبت دیده می‌شود. در گوشه سمت چپ بالای صفحه عنوان یک یادداشت دو سطری وجود دارد: «این کتاب یکی از کتب معتبر حروفیان است». از این یادداشت بر می‌آید که نویسنده این کتاب «معتبر» باید یکی از شخصیت‌های دست اول و معتبر حروفی باشد، اما در فهرست نام حروفیان معروف و راهبران این جنبش نشانی از «حقیقی» نیست. در همین صفحه یادداشتی دو سطری نیز به زبان ترکی وجود دارد و نیز یادداشتی از سهیلی خوانساری: «توسط فقیر برای کتابخانه ملی ملک ابتیاع شد». مهر ثبت کتاب در کتابخانه در میانه این صفحه وجود دارد. با تاریخ «۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۱». در زیر آن

۸ گولپینارلی، ص ۵۵.

۹ صادق کیا، واژه نامه گر گانی، تهران، ۱۳۳۰، ص ۴۶.



زبان منظومه پی برد. در این یادداشت دو سطری که با جوهر آبی تحریر شده، آمده است: بشارت نامه فضل الهی: "منظومه ترکی از حروفیان، خط و کاغذ قرن سیزده". تعجب آورترین است که پدید آورندگان فهرست ملک، توضیح خود را به فهرست منزوی ارجاع می دهند. و از یاد نبریم که فهرست منزوی شامل نسخ خطی فارسی است و نه ترکی!

پس بشارت نامه موضوع شماره ۹۸۱۲ فهرست منزوی (ج ۲/۱، ص ۱۰۶۴) جز رساله شماره یک مجموعه ملک است، و اصولاً در ادبیات حروفی ما، به جز بشارت نامه حاضر، دو بشارت نامه دیگر را می شناسیم، از دو خلیفه فضل، یکی از ابوالحسن^{۱۰} و دیگری هم از سید اسحاق^{۱۱}.

با مقایسه آغاز این مثنوی با فهرست گولپینارلی^{۱۲} در می یابیم که این منظومه نه از فضل الله، که از رفیعی، خلیفه و جانشین نسیمی است و اصولاً توضیح فهرست ملک: «از فضل الله استرآبادی، گویا از رفیعی است» چندان روشن نیست. از عنوان این منظومه که در بالای صفحه نخست و پیش از آغاز آمده است: «بشارت نامه فضل الهی ییلن کورر فحواشیا کماهی» می توان عنوان مثنوی را بشارت نامه فضل الهی دانست، نه اینکه آن را منسوب به فضل الله استرآبادی کرد.

اما انجام این منظومه با آنچه گولپینارلی به عنوان انجام برای نسخه امیری (۱۰۴۱/۲) آورده است^{۱۳} یکسان نیست. یعنی اصولاً آن بیت در واپسین صفحه نسخه ملک دیده می شود. نه انجام و نه بیت دیگری که گولپینارلی از اواخر نسخه امیری برای بیان تخلص شاعر - رفیعی - شاهد می آورد^{۱۴}. در نسخه ملک وجود ندارد.

واپسین صفحه بشارت نامه در نسخه ملک، ص ۳۰، بر کاغذی بزرگتر از دیگر اوراق مجموعه حاضر کتابت شده است. به طوری که از سمت چپ به فاصله حدوداً یک سانتیمتر به سمت داخل تاخورد شده است. بر حاشیه سمت چپ این صفحه بیست سطر شعر، به شکل مورب، نوشته شده است و علاوه بر آن در چهار سطر واژگانی که از متن افتاده قید شده است. آوردن افتادگی ها در حاشیه صفحه در دیگر صفحات نیز دیده می شود.

در صفحه ۲۹ نسخه ملک بیتی که تاریخ انجام بشارت نامه را بیان می کند، آمده است، اما در نسخه امیری

این بیت در صفحه ۹۷ الف وجود دارد و می دانیم که نسخه امیری دارای ۴۷ برگ (۵۶ ب - ۱۰۳ اب) است، اما نسخه ملک فقط ۳۰ صفحه است، یعنی ۱۵ برگ. با مقایسه تعداد سطور هر صفحه که در نسخه امیری ۱۵ سطر و ۱۵ بیت است و در نسخه ملک ۳۷ بیت در هر صفحه آمده است (۲۵ سطر سه مصرع) در می یابیم که نسخه ملک کامل نیست و در پایان افتادگی دارد.

از سوی دیگر ۵ صفحه نانوخته در پی بشارت نامه وجود دارد. بر نخستین صفحه (ص ۳۱) که در پشت واپسین صفحه بشارت نامه است. بخشی از وصیت نامه شهاب الدین سهروردی آمده است که در فهرست ملک اشاره ای به آن نشده است.

این متن هشت سطری به خطی و قلمی متفاوت با متن بشارت نامه نوشته شده است. شاید هم بعداً بر اوراق سفید تحریر شده باشد. عنوان این بخش در دو سطر و نیم به خطی بین نسخ و ثلث و به رنگ شنگرف است. دو سطر شش و هفت «و من فتوحاته» نیز به شنگرف است. آغاز این بخش «هذه وصیه قطب اقطاب...» و انجامش «ولکن بنازعه و چون فهوانس...» است.

۲. اشعاری از حزینی:

در این مورد، در فهرست ملک آمده است:

«اشعار حروفی، (ترکی) از حزینی»

این اشعار از ص ۳۲ (که در واقع باید ص ۳۶ باشد. چون برگ های سفید شماره گذاری نشده است.) تا ص ۵۱ (در واقع ۵۵) ادامه می یابد. در این بخش هشتاد و چهار غزل آمده. در هر صفحه چهار غزل آمده است (به جز ص ۳۲ که سه غزل و ص ۳۷، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۷ که پنج غزل دارند.) در مورد این اشعار که به خط نستعلیق نگاشته شده اند، فهرست ملک توضیح می دهد که با خط رساله پیشین متفاوت است. اما باید اضافه کرد که نه تنها خط، که نوع کاغذ نیز با رساله پیشین تفاوت دارد. اصولاً در مجموعه حاضر دو نوع کاغذ به کار رفته است.

اوراق بشارت نامه و اوراق سپید مجموعه کاغذی ضخیم تر دارند، ولی اشعار حزینی بر کاغذی نازکتر نگاشته شده است.

اما این مجموعه اشعار در آغاز دارای افتادگی است، زیرا در سطر اول با واژه «وله» آغاز می شود که در حقیقت ارجاع به اشعار قبل می دهد که مانشانی از آنها نداریم. از

۱۰. گولپینارلی، ص ۹۲.

۱۱. نسخه ملی کتابخانه ملی ملک، مجموعه ش ۴۶۰۰.

۱۲. گولپینارلی، ص ۹۳.

۱۳. همان، ص ۹۳.

۱۴. همان، ص ۹۴.



متنی به فارسی و عربی نوشته شده است که خود شامل اعدادی است. سپس در صفحه ۹۴ (که در شماره گذاری ص ۹۲ است) اشعاری درج شده است با این مطلع:

ای گشته نور ذات ز روی تو آشکار
وی نسخه وجود تو فهرست روزگار
در سمت چپ پایین صفحه (ص ۹۳) دارای بریدگی است و در آخرین سطر به سنگرف آمده است: «فی المثنویات». در ص ۹۴ در بالای صفحه عنوان «توحید نامه» دیده می‌شود. با این مطلع:

بود واجب در جمیع کارها
حمد و شکر کاشف اسرارها
و این همان سرآغازی است که منزوی برای مثنوی دیگر علی الاعلی به نام کرسی نامه آورده است. متن مثنوی نیز کامل نیست و در ص ۱۰۶ افتادگی دارد، یعنی بیت آغاز ص ۱۰۷ ادامه آخرین بیت ص ۱۰۶ نیست. در ص ۹۸ مهر مرحوم ملک آمده است و میانه ص ۱۱۳ نیز پارگی وجود دارد. توحید نامه در ص ۱۵۸ تمام می‌شود. با این انجام:

چون خدا با صابران است شد تمام
این سخن کوتاه کردم والسلام
اما در واپسین سطر این صفحه آمده است: «ایضاً» و در آغاز صفحه بعد - ص ۱۵۹ - آمده است: «کرسی نامه» با مطلع:

ابتدا را بهترین نام خدا
بود و فضلش کردم از وی ابتدا
بر خلاف باور ریتر^{۱۶} متن کرسی نامه در نسخه ملک کامل نیست و در ص ۲۷۸ افتادگی دارد. در ص ۲۸۹ سطر اول تکرار سطر آخر صفحه قبل است و واژه راهنما که در انتهای ص ۲۹۰ آمده است آغاز سطر سوم از ص ۲۹۱ است و نیز از ص ۲۷۹ نوع خط تغییر می‌کند، لذا در مجموعه حاضر نه دو نوع که سه نوع خط به کار رفته است. در ص ۱۹۸ و ۳۹۸ مهر مرحوم ملک وجود دارد و در ص ۴۰۸ مهر بیضوی کتابخانه به همراه مهر «بازدید شد ۱۳۵۱» دیده می‌شود در واپسین صفحه مجموعه چهار سطر وجود دارد:

تکیه زین العابدین عیسی خلیفه حلب
مصطفی ابدال ارفه بایرام بابا تکیه سی
بابا خلقه
و درویش اسمعیل

متن فاقد تاریخ کتابت است، و در اکثر صفحات حواشی وجود دارد. عطف و جلد مجموعه از چرم سیاه است.

سوی دیگر معلوم نیست که آیا این مجموعه اوراق دیگری در انتها داشته است یا نه؟ چون نشانی از ختم اشعار از قبیل نام کاتب یا تاریخ کتابت وجود ندارد. از حزینی در فهرست گولپینارلی نامی نیست و این باعث تعجب است، زیرا می‌دانیم که پس از گسترش حروفیه در آسیای صغیر و از قرن نهم هجری به بعد حروفیان آناتولی زبان ترکی را به جای زبان فارسی به کار بردند. وجود اشعار ترکی حزینی در مجموعه ملک و عدم وجود این اشعار در مجموعه حروفیان ترکیه باعث شگفتی است. تاریخ ثبت این مجموعه در کتابخانه ملی ملک ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۱ است و در صفحه آخر (۵۱) مهر بیضی کتابخانه دیده می‌شود.

۵) مجموعه (ش ۴۶۰۰)

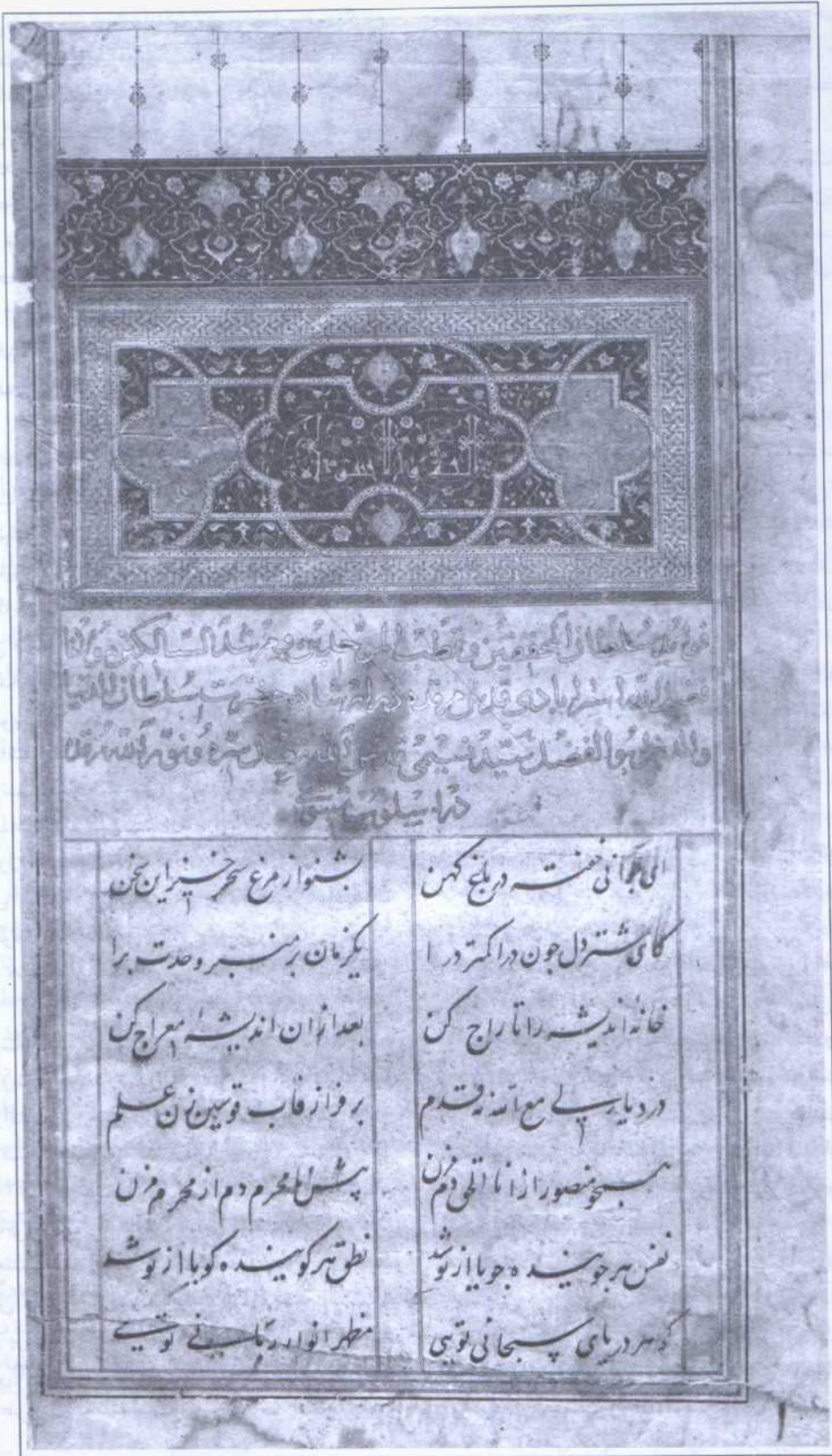
در فهرست ملک (ج ۷، ص ۴۳۹) درباره این مجموعه می‌خوانیم:

«تستعلیق ۱۰۴۷، ۲۰۵ گ، ۱۱ س، کاغذ پسته‌ای و ترمه، ۱۴/۴x۱۰/۵، جلد میشن آلبالویی، لبه دار.»

در این مجموعه پنج منظومه بشارت نامه، نامه نامی، توحیدنامه و کرسی نامه آمده است. اما بنابر گفته فهرست نویسان ملک (و نیز نظر دکتر صادق کیا) این مجموعه آشفته است و توالی اوراق آن درهم ریخته است و در فهرست ملک نیز به آفریننده یا آفرینندگان این منظومه‌ها اشاره نشده است، اما ما اینک می‌دانیم که سه منظومه اول این مجموعه از آن سید اسحاق استرآبادی یا سمرقندی است که بزرگ و راهبر حروفیان خراسان است و دو منظومه دیگر که در واقع واپسین رساله‌های این مجموعه هستند از خلیفه برتر، فضل الله، علی الاعلی است.

میان سه رساله نخست و دو رساله آخر، از لحاظ خط و کاغذ، تفاوت وجود دارد. در میان سروده‌های سید اسحاق چهار بار افتادگی وجود دارد و تداوم کلام و توالی اوراق در چهار قسمت شکسته است. این چهار گسست در ص ۱۶، ۳۲، ۶۴، ۷۴ است. از این منظومه، فقط اشارت نامه دارای ابیاتی کامل (ولی به هم ریخته) است که به کوشش نگارنده منتشر شده است^{۱۵} و در مقدمه آن به روش تفکیک ابیات این منظومه از دیگر ابیات اشاره شده است. اما نخستین برگ این مجموعه جدا شده است و در میان اوراق می‌باشد. سه منظومه سید اسحاق در ص ۸۹ تمام می‌شود ص ۹۰ نانوشته است و بر روی سه صفحه بعدی

۱۵. اسحاق استرآبادی «اشارات نامه» به کوشش علیرضا دولتشاهی، معارف، ص ۱۵، (۱۳۷۸) ش ۳.
۱۶. هلموت ریتر، آغاز فرقه حروفیه، حشمت موید، (بی‌جا، بی‌تا)، ص ۵۷.



فوق العالی کلمتین و طبع المرحوم و در شادان است که در
 فضل الله استر با دی قلم در دست شاه حضرت سلطان
 شاه بنو الفضل شیدایی قلم در دست شاه بنو
 شاه بنو فیاض

شوار مرغ حمر پیران سخن	ای جوانی غمت در بخت کهن
یک زمان بر منبر وحدت برا	کای شتر دل چون دراکتر در ا
بعد از آن اندیشه بهراج کن	خانه اندیشه را تا راج کن
بر فراز قاب تو بینان علم	در دیار پله معانه ز قدم
پیش از محرم دم از محرم زن	بسجده منصور از انا تلی دم
نطق ترک کویند که با از گوش	نفس هر جویند به جوی از گوش
منظر انوار در تابستانه نوی	که سردر می پسجانی نوی

■ صفحه نخست از دیوان سید شاه فضل الله نعیمی، مقتول ۷۹۶ ق. به خط سلطان محمد، مورخ ۹۱۰ ق، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۳۶۳.